

تبیین علل تغییر رفتار حزب عدالت و توسعه نسبت به کردهای ترکیه

بر اساس نظریه‌ی پیوستگی جیمز روزنا

علی باقری دولت آبادی*

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۰/۰۷)

چکیده

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ نگاه تازه‌ای به مسأله‌ی کردها در ترکیه شکل گرفت. در مدّت زمامداری این حزب تا سال ۲۰۱۴ روند رسیدن به یک صلح نهایی با کردها در مسیری دنبال می‌شد که بسیار امیدوارکننده بود؛ اما از این سال به بعد به یکباره جریان صلح و حلّ مسأله‌ی کردها روندی معکوس به خود گرفت و ناآرامی در بسیاری از مناطق کردنشین را به همراه آورد. سوال اصلی پژوهش این است که علل تغییر رفتار حزب عدالت و توسعه نسبت به کردها پس از سال ۲۰۱۴ چه بود؟ فرضیه‌ی پژوهش بر افزایش قدرت اردوغان و سوق یافتن وی به سمت اقتدارگرایی تأکید دارد. برای انجام این پژوهش از نظریه‌ی جیمز روزنا و روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد اگرچه اقتدارگرایی اردوغان پس از سال ۲۰۱۴ و راه یابی حزب دموکراتیک خلق‌ها به پارلمان این کشور در به وجود آمدن این وضعیت نقش برجسته‌ای داشته است اما نمی‌توان نقش عوامل خارجی در این باره را نادیده گرفت. ظهور داعش و قدرت گرفتن کردهای سوریه در بخش‌های شمالی این کشور و ناامیدی از روند پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا از جمله عوامل مهمّ خارجی در این خصوص می‌باشند. لذا طبق نظریه‌ی پیوستگی جیمز روزنا دو متغیّر فرد و نظام بین‌الملل بیشترین تأثیر را بر رفتار دولت ترکیه نسبت به کردها گذاشته است.

کلید واژه‌ها: اردوغان، حزب دموکراتیک خلق‌ها، کردهای سوریه، صلح، اقتدارگرایی، نظریه‌ی پیوستگی

مقدمه

از زمان تشکیل جمهوری ترکیه مسأله‌ی موجودیت کردها و استقلال طلبی آن‌ها همیشه به عنوان مسأله‌ای پیش روی دولت این کشور وجود داشته است. این مسأله ریشه در تاریخ دارد و از خواست کردها برای تشکیل دولت کردستان که در قرارداد سور^۱ نیز به آن اشاره شده بود، نشأت می‌گیرد. خواستی که بعدها در پیمان لوزان^۲ نادیده گرفته شد و در مرزهای جدیدی که ترسیم گردید، کردستان در آن جایی نداشت و بخش اعظم آن ضمیمه‌ی جمهوری ترکیه گردید. شکست ملی‌گرایان کرد در قرارداد لوزان برای تشکیل یک دولت مستقل از یک سو و سیاست‌های آتاتورکی در قبال کردها از سوی دیگر مسأله همزیستی مسالمت آمیز بین کردها و ترک‌ها را به طور مداوم دستخوش چالش ساخته است. در طول این سال‌ها دولتمردان ترکیه با هویت‌زدایی از نژاد و فرهنگ کردها بدنبال ایجاد هویتی یکپارچه در داخل مرزهای خود بوده‌اند. سیاست‌هایی که کمالیست‌های ترکیه در قبال کردها در پیش گرفتند باعث بحرانی‌تر شدن مسأله کردها شد و آن‌ها را مجبور به جذب ارزش‌ها و فرهنگ ترکی به جای توسعه و هویت ملی خود کرد. این رویکرد را در کل تاریخ ترکیه می‌توان سراغ گرفت. طوری که تا سال ۱۹۹۱ کمالیست‌های ترکیه سخن گفتن به کردی در مکان‌های همگانی و نوشتن به این زبان را ممنوع کرده و انتشار آثار کردی را تحت عنوان قانون ضد ترور - که دامن زدن به تبلیغات جدایی طلبانه است - ممنوع ساخته بودند و همه این برنامه‌ها را در قالب وحدت ملی توجیه می‌کردند. واکنش کردها به این هویت‌یابی ترکی کمالیست‌ها دست زدن به شورش‌های متعدد از جمله شورش شیخ سعید پیران، آارات، درسیم و در آخرین و گسترده‌ترین آن حزب کارگران کردستان (Pkk) بوده است. به نحوی

۱. پیمان سور معاهده‌ای بود مربوط به سال ۱۹۲۰م که طبق ماده‌ی ۶۲ آن قرار بود کمیسیونی متشکل از نمایندگان بریتانیا، فرانسه و ایتالیا در قسطنطنیه مستقر شود و در مدت شش ماه بعد از اجرا درآمدن پیمان، ترتیب یک خودمختاری محلی را برای منطقه‌ای که اکثریت ساکنان آن را کردها تشکیل می‌دادند در صورت خواست مردم به استقلال، بدهد.

۲. پیمان لوزان معاهده‌ای بود که سه سال بعد از معاهده‌ی سور در سال ۱۹۲۳م بسته شد و طبق آن بخش اعظم کردستان جزو ترکیه به حساب آمد. در این پیمان از کردها و به رسمیت شناختن حقوق ملی آنها به هیچ وجه نامی برده نشد و کردستان بین سه کشور تازه تأسیس ترکیه، سوریه و عراق تقسیم گردید.

که ادامه این مبارزات توسط کردها - چه در داخل و چه در محیط خارج - به یکی از بزرگترین مشکلات پیش‌روی ترکیه طی دو دهه اخیر تبدیل شده است.

در تاریخ ترکیه برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ تورگوت اوزال، رئیس‌جمهور وقت این کشور، واقعیت مسأله ی کردها را پذیرفت و از آن نه به عنوان یک جنبش جدایی طلبانه بلکه مسأله ای که به جای اقدامات نظامی با استفاده از رویکردهای مکمل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل حل است یاد کرد (Efegil, 2011: 27). با مرگ تورگوت اوزال این رویکرد اصلاح طلبانه نیز به فراموشی سپرده شد. با به قدرت رسیدن حزب اسلامگرای عدالت و توسعه، که یکی از شعارهای خود را پایبند بودن به دموکراسی و حل مسأله ی کردها اعلام کرده بود، امیدواری مجددی در میان کردها و جامعه ی ترک در ترکیه شکل گرفت. در این راه دولت برخاسته از حزب عدالت و توسعه (AKP) اصلاحاتی چند را برای به رسمیت شناختن هویت و فرهنگ گُرد در ترکیه انجام داد. این حرکت با اولین دوره ی مذاکرات صلح در سال ۲۰۰۳ دنبال شد و به دنبال آن در تابستان ۲۰۰۹ حکومت، فرآیندی را به عنوان «گشایش دموکراتیک» با هدف عادی سازی و امنیتی‌زدایی از مسأله ی کردها و فراهم‌سازی راه‌حلی با وسایل دموکراتیک و مدنی آغاز کرد (Celep, 2013:170). افتتاح اولین کانال تلویزیونی کردی دولتی (TRT6) از سوی دولت و اعزام یک گروه از پیشمرگه های کرد به عنوان «سفیران صلح» در سال ۲۰۰۹ به ترکیه، برخی از اقدامات دو طرف برای رسیدن به صلح در این راستا بود (Tekdemir, 2016). در واقع اصلاحاتی که از سال ۲۰۰۲ شروع شده بود تا سال ۲۰۱۴ روند خوبی را طی کرد. در طول این سال ها ترکیه بیش از پیش به مدل مورد نظر اتحادیه ی اروپا که سال‌هاست در انتظار پیوستن به آن قرار دارد، نزدیک شد اما این روند در سال ۲۰۱۴ به یکباره معکوس گردید و دو طرف به نقطه ی پیش از مذاکرات بازگشتند. بررسی علل تغییر رویکرد اردوغان به کردها و متوقف ساختن فرآیند آشتی با آنها پرسش اصلی است که این پژوهش قصد پرداختن به آن با روش توصیفی - تحلیلی را دارد. فرضیه ی ما بر این پایه استوار است که اقتدارگرایی اردوغان بیشترین نقش را در شکل‌گیری این بحران داشته است. برای این منظور از نظریه ی پیوستگی جیمز روزنا استفاده شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

در مطالعات انجام شده در چند سال اخیر به زبان فارسی در مورد ترکیه بیشتر به حزب عدالت و توسعه و سیاست جدید این کشور که از آن به عنوان نوع‌ثمانی‌گری یاد می‌شود، توجه شده است. مقاله‌های باقری و نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳) تحت عنوان «بررسی علل دگرذیسی در سیاست خارجی ترکیه بر اساس رهیافت سازه‌انگاری»، طباطبایی و فضلی‌خانی (۱۳۹۲) با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب»؛ امیدی و رضائی (۱۳۹۰) تحت عنوان «عثمانی‌گرایی جدید در ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه» و حیدری و رهنورد (۱۳۹۰) با عنوان «نوع‌ثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌های ترکیه (با تکیه بر تحولات عربی)» نمونه‌ای از این مقالات هستند. این مقالات به واکاوی تأثیر تغییر نگاه سیاست‌گذاران ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه به سیاست خارجی، بر موضع این کشور در قبال تحولات خاورمیانه پرداخته‌اند. در دسته‌ای دیگر از مطالعات که بیشتر با مضامین اسلام، سکولاریسم و کردها آغشته شده، روند و فرآیندهای دموکراسی در این کشور مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. از جمله‌ی این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله‌ی مطلبی و زمانی (۱۳۹۲) با عنوان «روند تثبیت و دموکراسی در نظام سیاسی ترکیه با تأکید بر حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه»؛ احمدی، حاتم‌آبادی و فراهانی (۱۳۹۰) با عنوان «سیاست داخلی و خارجی ترکیه از دیدگاه حزب عدالت و توسعه»؛ محرابی و غم‌پور (۱۳۹۰) با عنوان «عوامل مؤثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه» و نهایتاً مقاله‌ی موثقی‌گیلانی و نیری (۱۳۹۰) تحت عنوان «اسلام میانه رو و دموکراسی در ترکیه» اشاره کرد. این مقالات قدرت گرفتن اسلام‌گرایان را در ترکیه طی چند دهه‌ی اخیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آن را الگویی موفق برای جهان اسلام معرفی می‌کنند. از نظر نویسندگان، اسلام مبتنی بر این قرائت‌ها نه تنها مانعی بر سر دموکراتیزه کردن نبوده بلکه موجب گشته تا این کشور در مسیر نهادینه شدن و تعمیق دموکراسی گام بردارد. دسته‌ی سوم مقالات، آن‌هایی هستند که با تمرکز بیشتر بر دغدغه‌های کردهای ترکیه نگاشته شده‌اند. بخش عمده‌ی این مقالات به شیوه‌ی روزنامه‌نگاری و با رویکرد توصیفی هستند. مقاله‌ی چنگی‌زاده و

آثار تمر (۱۳۸۸) تحت عنوان «تحركات قومی کردها و امنیت ترکیه، نگاهی به کردهای ترکیه و تأثیر تشکیل کردستان مستقل بر امنیت ملی ترکیه» را جزء استثنائات در این باره باید برشمرد که به حوزه ی پژوهش حاضر نزدیک است. نویسندگان در اثر خود معتقدند: ترکیه در عمل و نوع برخورد خود با کردهای این کشور ثابت کرده بدون شک آنچه در توان داشته باشد به کار خواهد بست تا از ایجاد یک کردستان مستقل جلوگیری کند. آن‌ها نگاه ترک‌ها به کردها را امنیتی دیده و آینده روشنی را پیش روی دو طرف ترسیم نمی‌سازند.

جستجو در مقالات انگلیسی درباره ی ترکیه نیز نشان می‌دهد بیشتر آثار حول محور دموکراسی و گذار به دموکراسی هستند و موضوع پژوهش حاضر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. والریا تالبوت^۱ (۲۰۱۵) در کتاب تألیفی خود با نام «مسیر نامشخص سیاست ترکیه جدید» به پیشرفت‌های اقتصادی یک دهه ی اخیر در ترکیه و بهبود اوضاع سیاسی داخلی و تغییر سیاست خارجی ترکیه ی جدید و بهبود جایگاه منطقه‌ای آن اشاره کرده؛ مشکلات جدید در داخل و خارج، پیش روی حزب عدالت و توسعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. گونتر^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش خود به علل متوقف شدن فرآیند صلح دولت ترکیه با کردها می‌پردازد و شرایط کنونی را برای جامعه ترکیه بغرنج می‌داند و معتقد است در ترکیه تنها دولتی کاملاً دموکراتیک می‌تواند رابطه ی بین ترک‌ها و کردها را بهبود ببخشد. اُدول کلپ^۳ (۲۰۱۴) نیز در مقاله‌ی خود تحت عنوان «آیا چپ‌گرد می‌تواند به دموکراتیزاسیون ترکیه کمکی کند؟» به نقش حزب دموکراتیک خلق پرداخته و امیدوار است که این حزب بتواند با سازوکارهای قانونی و نقشی که در پارلمان دارد پروسه ی صلح را به سرانجام برساند. ضیاء اونیس^۴ (۲۰۱۳) نیز در مقاله‌ای به نام «تقسیم قدرت: چالش دموکراسی در ترکیه و هژمونی حزب عدالت و توسعه» به این موضوع پرداخته که پس از یک موج بزرگ از دموکراسی در دهه ی گذشته، بن بست در روند اصلاحات در ترکیه و نگرانی رو به افزایش در مورد روند استبداد در دولت

1. Valeria Talbot

2. Michael Gunter

3. Ödül Celep

4. ZIYA ÖNİŞ

حزب عدالت و توسعه سبب نگرانی بسیاری از روشنفکران شده است. دیوید لاول^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ی «چالشی برای دموکراسی در ترکیه» به بحث دموکراسی در ترکیه پرداخته و معتقد است که تعهد به دموکراسی در بین نخبگان و شهروندان ترکیه به طور یکسان باقی مانده است. او دموکراسی در ترکیه را با مشکل مواجه و در حال قطع شدن می‌داند. اما آنچه ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم واکاوی و بررسی شکست پروسه صلحی است که با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه اتفاق افتاده است. فرآیند صلحی که با گذشت بیش از یک دهه از زمامداری حزب عدالت و توسعه متوقف گردیده و نه در مقالات فارسی و نه در مقالات بخش انگلیسی به آن پرداخته نشده است.

چارچوب نظری: نظریه‌ی پیوستگی جیمز روزنا

مروری بر تاریخچه‌ی مطالعات سیاست خارجی حاکی از آن است که می‌توان نظریه‌های سیاست خارجی را در درون سه رهیافت روش‌شناسانه‌ی کلان، خرد و مختلط (میان برد) تقسیم کرد:

۱- رهیافت کلان: این رهیافت به کل نظام بین‌الملل اشاره دارد. نویسندگانی که در این سطح تحلیل، قلم می‌زنند، به مفاهیم، مفروض‌ها و قضایای تجریدی توجه دارند و بر تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی کشورها تأکید می‌کنند. به همین دلیل، نظام‌های ارزشی و پوشش‌های داخلی بازیگران در رفتار سیاست خارجی آن‌ها نقش ناچیزی دارد (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۰). مهم‌ترین نظریه‌ای که در این رهیافت قرار می‌گیرد، نظریه‌ی رئالیسم ساختاری کنت والتس است (والتس، ۱۳۹۴: ۳۵).

۲- رهیافت خرد: نویسندگان این رهیافت بر تأثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار خارجی آن‌ها تأکید می‌کنند. از این منظر، عملکرد و رفتار خارجی کشورها از یک طرف، تابع مقتضیات داخلی و محیط استقرار هر واحد خاص جغرافیایی و از طرف دیگر تحت تأثیر شخصیت تصمیم‌گیرندگان، محیط اجتماعی و چانه‌زنی‌های دیوان‌سالارانه و سازمانی در سطح داخلی

^۱ . David Lovell

جامعه است. از مهم‌ترین نویسندگان این رهیافت می‌توان به هارولد و مارگارت اسپروت، هارولد اسنایدر، آلیسون و هالپرین اشاره کرد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۲۹۸).

۳- رهیافت میانبرد: این رهیافت ترکیبی است از دو سطح تحلیل قبلی و مجموعه‌ی وسیعی از فرآیندهای اجتماعی که تأثیر زیادی بر رفتار دولت‌ها را دارند، پوشش می‌دهد. در واقع در این راهبرد بین سیاست خارجی یک ملت و تغییرات در افکار عمومی، فعالیت‌های رسانه‌های جمعی و خصوصیات نخبگان، سوابق و گرایش‌های آن‌ها انسجام و پیوند برقرار می‌گردد. نظریه‌ی پیوستگی جیمز روزنا در این قالب جای می‌گیرد. طبق نظریه‌ی روزنا در تصمیم‌گیری سیاسی، علت رفتار سیاسی حکومت‌ها در مجموعه‌ای شامل عوامل پنجگانه‌ی متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده، نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیرنده، متغیر دیوانسالاری حکومتی، متغیر جامعه و متغیر نظام بین‌الملل توضیح داده می‌شود. به نظر می‌رسد جامعیت این نظریه و پوشش نقش دو دسته عوامل داخلی و خارجی بر تصمیمات سیاسی دولت‌ها می‌تواند به فهم رفتار ترکیه در خصوص کردها کمک نماید. به همین منظور در ادامه مقصود از این عوامل پنج‌گانه تشریح و سپس در قالب آن موضوع اصلی پژوهش پی گرفته می‌شود.

۱- فرد: متغیر فرد عبارت است از ویژگی‌های انحصاری تصمیم‌گیرندگان که شامل تمامی جوانب تصمیم‌گیرنده و همان شخصیت‌های سیاسی-اقتصادی است که جمع‌های کلان را رهبری می‌کند. روزنا باور دارد که خصایص فرد بیشتر در کشورهای توسعه نیافته، تازه استقلال یافته و کوچک مطرح است که فاقد نقش‌های سازمان یافته و نهادهای بوروکراتیک بوده‌اند و در جوامعی که رهبران آن کمتر تحت نفوذ افکار عمومی و گروه‌های بانفوذ قرار دارند، اتفاق می‌افتد. این متغیر همه‌ی جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه‌های سیاست خارجی و یا رفتارشان را از دیگر تصمیم‌گیرندگان متمایز می‌کند (Rosenau, 1971: 109-108).

۲- متغیرهای حکومتی یا «نقش»: مجموعه‌ی دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی، از نقشی که تصمیم‌گیرنده ایفا می‌کند، ناشی می‌شود. علاوه بر خصوصیات فردی و انحصاری، افراد در سِمَت حکومتی و جایگاه دولتی خود همواره واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می-

دهند. جایگاه افراد در ساختار حکومتی، وظایف و مسئولیت‌های قانونی، حوزه و دامنه‌ی اختیارات، محدوده‌ی انتظارات و... بر نگرش فرد از جهان و تصمیم‌گیری‌های وی در عرصه‌ی سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد (Rosenau, 1996: 2).

۳- دیوانسالاری حکومتی: به آن جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره می‌کند که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود می‌سازد یا افزایش می‌دهد. تأثیر رابطه‌ی قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه در سیاست خارجی نمونه‌ای از عملیاتی شدن متغیر حکومتی است. روند تصمیم‌گیری در نظام‌های باز، بسته و یا ترکیبی از هر دو، همواره متفاوت بوده و از الگوهای متنوعی پیروی می‌کند. بر این اساس در نظام‌های باز اگرچه روند تصمیم‌گیری، کند است؛ اما نظام بوروکراسی فوق‌العاده به تخصصی شدن تمایل داشته و با گذراندن مراحل خاص خود، به نتایج دقیق تری دست می‌یابد (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۹: ۷۹).

۴- جامعه: این متغیر به آن دسته از جنبه‌های غیرحکومتی یک جامعه اشاره دارد که بر رفتارهای دولت تأثیر می‌گذارد. جهت‌گیری‌های ارزشی عمده‌ی یک جامعه، میزان وحدت ملی، میزان صنعتی شدن، گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی، متغیرهایی است که در تعیین محتوای آرمان‌ها و سیاست‌های خارجی یک کشور مشارکت دارد. (Rosenau, 1971: 108-109). این عوامل مانند سایر متغیرها به نوع جوامع از نظر سنتی یا مدرن بستگی داشته و گاه از رویه‌های متضاد و متناقضی پیروی می‌کنند.

۵- نظام بین‌الملل: دولت‌ها در روند تصمیم‌گیری از محیط بین‌الملل نیز تأثیر می‌پذیرند و واکنش به این نظام در محاسبه‌ی تصمیم‌گیرندگان منظور می‌گردد. نظام بین‌الملل شامل قطب بندیهای مختلف و شامل طیفی از نظام‌های بازدارندگی، موازنه‌ی قدرت و یا توازن وحشت می‌باشد و به بیانی دیگر شامل جنبه‌های انسانی و غیرانسانی محیط خارجی یک جامعه یا هر کنشی است که در خارج روی می‌دهد و گزینه‌های سیاست خارجی تصمیم‌گیرندگان را مشروط می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد (Roseau, 1971: 108-109).

به اعتقاد روزنا در کشورهای مختلف میزان نفوذ هر یک از عوامل چهارگانه‌ی داخلی و عامل محیط بین‌الملل در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی متفاوت است. به نظر روزنا

میزان نفوذ هر یک از عوامل فوق به پنج عامل بستگی دارد؛ قدرت بازیگر که کشورها را به دو دسته ی بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند؛ وضعیت اقتصادی بازیگر که کشورهای توسعه‌یافته را از توسعه نیافته جدا می‌کند؛ ماهیت باز و بسته ی ساختار اجتماعی؛ رخنه‌پذیری و یا رخنه‌ناپذیری ساختار فرهنگی (Roseau, 1971: 96-97). جدول زیر چگونگی و در نهایت حوزه‌های موضوعی مختلف رده‌بندی متغیرهای دخیل در نظریه ی جیمز روزنا را به خوبی نشان می‌دهد: جدول شماره ۱

جدول شماره ی ۱: متغیرهای مؤثر بر سیاست خارجی از نظر جیمز روزنا

کشورهای کوچک		کشورهای بزرگ				جغرافیا و منابع طبیعی		
توسعه نیافته		توسعه یافته		توسعه نیافته		توسعه یافته		وضعیت اقتصادی
بسته	باز	بسته	باز	بسته	باز	بسته	باز	وضعیت سیاسی
فرد	فرد	نقش	نقش	فرد	فرد	نقش	نقش	رده‌بندی متغیر
نظام	نظام	نظام بین-الملل	نظام بین‌الملل	نقش حکومت	نقش حکومت	فرد حکومت	جامعه حکومت	
بین‌الملل	بین‌الملل	فرد	جامعه	نظام بین‌الملل	نظام بین‌الملل	نظام بین‌الملل	نظام بین‌الملل	
نقش حکومت	نقش جامعه	حکومت جامعه	حکومت فرد	بین‌الملل جامعه	بین‌الملل جامعه	بین‌الملل جامعه	فرد جامعه	
جامعه	حکومت	جامعه	فرد	جامعه	جامعه	جامعه	فرد	
غنا	کنیا	چک اسلواکی سابق	هلند	چین	هند ترکیه	شوروی سابق	آمریکا	نمونه

Source: Roseau, 1971:113

طبق جدول فوق، ترکیه را در رده ی بازیگران بزرگ توسعه نیافته ی باز باید محسوب نمود که متغیر فرد، نقش، حکومت، نظام بین‌الملل و جامعه به ترتیب بیشترین تأثیر را در

تصمیمات آن ایفا می‌کنند در ادامه چگونگی تأثیرگذاری این متغیرها در کشور ترکیه و زمامداری حزب عدالت و توسعه بررسی می‌گردد.

تاریخچه و اهمیت روابط ترکیه با کردها

مسأله‌ی کردها در ترکیه دارای تاریخ طولانی می‌باشد که ریشه در دوره‌ی عثمانی دارد. امپراتوری عثمانی که بین سده‌ی چهاردهم تا سال‌های آغازین سده‌ی بیستم میلادی وجود داشت، بر بخش‌های بسیاری از خاورمیانه، هم‌چنین بر بخش‌هایی از اروپای جنوب شرقی و شمال آفریقا در سده‌ی شانزدهم میلادی فرمان می‌راند. امپراتوری عثمانی اقلیت‌ها را نه بر اساس قومیت بلکه بر اساس دین مشخص می‌کرد. بنابراین کردها نیز تا مدت طولانی به عنوان اکثریتی در عثمانی زندگی می‌کردند. حتی قبایل کرد در امور داخلی خود از استقلال نسبی زیادی برخوردار بودند و در عوض مالیات و سرباز به امپراتور عثمانی می‌دادند. این سیستم بدون هیچ مشکلی تا قرن نوزدهم ادامه یافت اما با ظهور اندیشه‌ی ناسیونالیسم و استقلال ملی در قرن نوزدهم مشکلاتی برای قومیت‌ها و گروه‌های قومی در عثمانی به وجود آمد. از قرن نوزدهم به بعد رهبران مذهبی در مقابل سلطان و قدرت مرکزی، شورش‌هایی را سازماندهی کردند که به شدت توسط نیروهای نظامی سرکوب شدند. علی‌رغم ناامنی و آشفتگی در این مناطق، ترکها در جنگ جهانی اول و جنگ‌های استقلال ترکیه علیه دول غربی، از حمایت کردها برخوردار بودند اما بعد از تأسیس جمهوری ترکیه به تدریج اختلافات آغاز شد و سیاست اعطای خودمختاری به مناطق کردنشین متفی شد و این امر نیز تا حدودی متأثر از سیاست غربی شدن ترکیه بود. پس از انحلال امپراتوری عثمانی و با تشکیل جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳م. توسط کمال آتاتورک اقدامات وسیعی در زمینه‌ی نوسازی توأم با دین زدایی در پیش گرفته شد که هدف آن، انسجام و برجسته کردن هویت ملی و غالب کردن آن بر دیگر نمادهای مذهبی و قومی بود. دولتمردان ترکیه از آن زمان سعی کردند تا با انکار هویت و موجودیت کردها، ترکیه‌ای یکپارچه بسازند. لذا ترکیه کشوری بوده که برای چندین دهه برای ایجاد یک ملت همگن تحت اصول کمالیسم مبارزه کرده است. ایده‌ی ملت‌سازی که کمالیست‌ها در ترکیه دنبال می‌کردند یک مانع اصلی داشت و آن ساکنان کرد ترکیه بودند که بر حفظ هویت

قومی ملی خود ایستادگی می کردند (Celep, 2013:170). دولت ترکیه در طول این مدت ضمن رد هرگونه حرکت قومی در جهت خودمختاری و استقلال، مدام تأکید می کرد که هرکسی خود را از نژاد ناب ترک نداند از کوچکترین حقوق شهروندی در این کشور برخوردار نیست. سیستمی که آتاتورک در ترکیه پی ریزی کرد به صورت مداوم مطالبات سیاسی کردها را سرکوب کرد. در واکنش به این اقدام آتاتورک و جانشینانش، شورشیان کُرد با دولت مرکزی در سال های ۱۹۲۵، ۱۹۳۰ و ۱۹۳۸ و در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسط شبه نظامیان جناح چپ کُرد درگیر شدند (Urrutia and Villellas, 2012).

خواست کُردها مبنی بر حقوق فرهنگی، زبانی و هنری و همچنین کشور مستقل در چهار دهه ی گذشته، با کشمکش مسلحانه میان ترکیه و پ.ک.ک انطباق و ارتباط مستقیم داشته است. افزایش خشونت پ.ک.ک. در ترکیه، در سال ۲۰۱۲ با بحران سوریه و اختلافات مربوط میان کشورهای منطقه به ویژه به شکل مخالفت ترکیه با رژیم اسد و پایان همکاری متغیر ترکیه - سوریه - ایران علیه این گروه مسلح، نمونه ای از تأثیرپذیری سیاست های ترکیه از موضوع کردها است (Urrutia and Villellas, 2012).

ترکیه در کنار چالش فزاینده ی سیاسی- نظامی پ.ک.ک. پس از ۱۹۹۱ با دو چالش برون مرزی در ارتباط با کُردها روبرو گردیده است. یکی چالش تأسیس خودگردانی در شمال عراق که بر ترکیه تأثیر گذاشته است و دیگری چالش تحصیل شرایط خاص برای عضویت در اتحادیه ی اروپا، از جمله بهبود وضع کُردها از نظر دموکراسی و حقوق بشر و اختیارات منطقه- ای و غیره. ترکیه به شدت نگران تأثیرگذاری تحولات شمال عراق بر منطقه ی کُردنشین خود می باشد و بر این باور است که تأسیس دولت مستقل کُردی در شمال عراق باعث تشدید تمایلات جدایی طلبانه ی کُردها شده و وحدت دولت ترکیه را به خطر می اندازد (حافظنیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵). برداشتی که دقیقاً در مورد تحولات شمال سوریه و مناطق کُردنشین نیز صدق می کند. آن چه در این میان گه گاه به تلطیف سیاست های دولت ترکیه نسبت به کردها انجامیده است بیشتر متأثر از درخواست عضویت این کشور در اتحادیه ی اروپا، فشار شورای

اروپا، نقش و جایگاه ترکیه در ناتو و تأثیر رو به رشد اسلام در یک کشور سکولار بوده است (Yildiz and Taysi, 2007: 81).

در حال حاضر همچنان که کردها آینده‌ی خود را در ترکیه، تیره و تار دیده و به دنبال ایجاد سیستم فدرالیسم و خودمختاری در مناطق کردنشین هستند، احزاب ملی‌گرای ترک و نظامیان بر ناسیونالیسم ترکی، سرکوب کردها و تمرکزگرایی در اداره‌ی امور کشور تأکید می‌ورزند. آنچه سالهاست به کابوس ناسیونالیست‌های ترکیه تبدیل شده و همواره به بی‌اعتمادی بین آن‌ها و کردها دامن زده است، ترس از خودمختاری موقت و سپس تشکیل کشور کردستان در مناطق شرق و جنوب این کشور است (نگاه کنید به نقشه‌ی شماره‌ی ۱). مناطقی که همجوار با کردستان عراق، سوریه و ایران است.

نقشه‌ی شماره‌ی ۱: پراکندگی کردها در ترکیه و کشورهای پیرامون



Source: www.thekurdishproject.org

گذشته از بحث تمامیت ارضی، مسأله‌ی انتقال خطوط انرژی (نفت و گاز) از ایران و عراق به ترکیه و عبور آن از مناطق کردنشین نیز بر این پیچیدگی‌ها و حساسیت‌ها افزوده است. هرگونه تنش در روابط کردها و ترک‌ها در داخل ترکیه به نوعی بر امنیت خطوط انرژی و آینده‌ی رشد

اقتصادی آنکارا تأثیر خواهد گذاشت (Roberts, 2018). حتی استقلال کردها می تواند بر مهمترین منابع آبی ترکیه و اقتصاد متأثر از آن در حاشیه ی رودهای دجله و فرات تأثیر گذاشته و آینده ی آن را تیره و تار سازد (See: Yadirgi, 2017). این مسائل موجب گردیده تا دولت ترکیه گزینه های مختلف از آشتی تا رویارویی را بر روی میز خود با کردها قرار دهد. برای فهم چگونگی گذار از این دو فرمول به یکدیگر در دوران قدرت گیری حزب اعتدال و توسعه، در ادامه نقش متغیرهای مختلف مورد تأکید جیمز روزنا در این ارتباط بررسی می گردد.

۱- فرد

نخستین متغیر در نظریه ی پیوستگی جیمز روزنا، متغیر خصوصیت‌های منحصر به فرد تصمیم گیرندگان حوزه ی سیاست خارجی یک کشور است. این متغیر همه جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربه های پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه ی سیاست خارجی و یا رفتار او را از دیگر تصمیم گیرندگان متمایز می‌کند. متغیرهای فردی شامل ویژگی‌های فردی، برداشتها و تصورات، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها، سبک رهبری و شیوهی تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرندگان می‌شود. اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسد متغیر فرد باید کمترین اثر را در تصمیمات حزب عدالت و توسعه و در ساختار قدرت ترکیه داشته باشد اما نوع خاص دموکراسی حاکم بر ترکیه میزان اثرگذاری این متغیر را پررنگ می‌سازد. مدل دموکراسی در ترکیه، مدل پیشبرد دموکراسی از بالا به پایین است. بنابراین دموکراسی همواره با چالش‌های خاص و با مخالفت نیروهای مخالف روبرو است و همواره احتمال بازگشت اقتدارگرایی به اندازه ی تحکیم دموکراسی وجود دارد (مطلبی و زمانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). هرچند مدل حکومتی ترکیه دموکراسی مآبانه است اما بیشتر این مدل چه قبل از حکومت حزب عدالت و توسعه و چه در حال حاضر در خدمت دولتمردان و تثبیت اقتدارگرایی آن‌ها بوده است. با نگاهی به ترکیه ی امروز می‌بینیم بیش از آن که شبیه یک دموکراسی اروپایی باشد، شبیه یک نظام اقتدارگرایی قائم به فرد است که نمونه های زیادی از آن در خاورمیانه موجود است (Cook,

2016). از سال ۲۰۰۲ تا کنون که حزب عدالت و توسعه، قدرت را در دست گرفته، اردوغان یکه تاز عرصه ی سیاست در ترکیه بوده است. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ در پست نخست وزیری -که مقام اول قدرت در ترکیه است- و از سال ۲۰۱۴ به بعد در پست ریاست جمهوری ترکیه حضور داشته است. تغییر نظام ترکیه از پارلمانی به ریاستی و افزایش بیش از حد اختیارات رئیس جمهوری یکی از اهداف مهمی بوده که اردوغان در این مدت به دنبال آن بوده و توانسته از طریق برگزاری رفراندوم سراسری در ترکیه و با پیروزی حداقلی ۵۱/۰ درصدی به آن دست یابد. این پیروزی از منظر مخالفین داخلی دولت در شرایطی کاملاً ناعادلانه و با اجرای قانون شرایط فوق‌العاده که بعد از کودتای ۲۰۱۶ وضع شد، به دست آمد. مخالفان اردوغان معتقدند: تمام امکانات و تبلیغات رسان‌های کشور در اختیار حزب حاکم بوده است؛ طوری که حزب عدالت و توسعه نسبت به حزب دموکراتیک خلق‌ها در کانال‌های تلویزیونی فرصتی ۲۴۵ برابری برای تبلیغات داشته است. در واقع بعد از کودتای ناموفق ۲۰۱۶ چشم انداز رسانه‌ها در ترکیه به شدت به نفع دولت کنونی تغییر پیدا کرد و صدها روزنامه نگار به زندان افتاده و ۱۵۰ رسانه تعطیل شد و در همه ی این رخدادها انگشت اتهام مستقیم به سوی شخص اردوغان و روحیات وی بازمی گردد (Mavragani and Tsagarakis, 2019). پیروزی که بسیاری از ناظران اروپایی بر شرایط ناعادلانه بودن آن تأکید کردند (The Guardian, 2017/4/26). این فرصت را به اردوغان داد تا بتواند تغییرات مورد نظر خود در قانون اساسی را به انجام برساند. تغییراتی که از سال ۲۰۱۹ به اجرا گذاشته شد و در صورت پیروزی اردوغان در دو انتخابات آینده ی ریاست جمهوری ترکیه وی می‌تواند تا سال ۲۰۲۹ همچنان مرد اول ترکیه باشد. قدرتمندی اردوغان در ترکیه به نوعی است که از او در تاریخ جمهوری ترکیه بعد از آتاتورک به عنوان مقتدرترین فرد نام می‌برند. تا پیش از این، ترکیه جزء کشورهایی بود که از آن به عنوان مدل دموکراسی از طرف کشورهای غربی یاد می‌شد، اما روندی که امروزه در ترکیه دنبال می‌شود ترکیه را در مسیر معکوس دموکراسی قرار داده است. این همان هشدار است که بسیاری از مفسران اروپایی در مورد تغییرات ترکیه با استناد به خشونت پلیس علیه تظاهرکنندگان، محدودیت در آزادی مطبوعات و اینترنت، دخالت

دولت در قوه‌ی قضائیه و تصفیه در بروکراسی اداری می دهند و از آن تعبیر به ورود به دوره ی «استبداد فردی» می کنند (Seufert, 2014:1). برخی این وضعیت را نتیجه ی پیروزی های پی در پی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه و تلاش برای حرکت به سمت تثبیت هژمونی قدرت خود در این کشور می دانند (Onis, 2013:11). بازتاب این شرایط را در رفتار دولت با کردها به خوبی می توان مشاهده کرد.

به طور کلی رویکرد اردوغان در مورد کردها را می توان به دو دوره تقسیم کرد: در دوره ی اول اردوغان و حزب عدالت و توسعه تلاش نمود با برجسته کردن مسأله ی کردها باب مذاکره و گفتگو را با شخصیت های کرد باز کند. دستاورد این دوره انجام مذاکراتی بین طرفین در سال ۲۰۰۹ و به ویژه ۲۰۱۳ بود که از آن به عنوان «فرآیند صلح در ترکیه» یاد می شود. امری که در تاریخ ترکیه بی سابقه بود و محبوبیت نسبی حزب عدالت و توسعه در مناطق کردنشین را به همراه آورد. اما در دور دوم همه ی این روند چند ساله، به یکباره تغییر مسیر داد و به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل گردید. به نظر می رسد آنچه نگاه اردوغان و تصمیمات حزب متبوعش نسبت به کردها را تغییر داد، تلقی آن ها از شرایط ایجاد شده در منطقه و نیز جامعه ی ترکیه بود. تصور اردوغان این است که کردها به سمت مسیر استقلال طلبی حرکت می کنند و هنوز نمی خواهند خود را بخشی از جامعه ی ترکیه بدانند. آنان با همتایان سوری و عراقی خود هم ذات پنداری می کنند و رویاهای بزرگ خود را در آن سرزمین ها می جویند. حتی حضور آنان در پارلمان ترکیه در قالب حزب دموکراتیک خلق نیز چیزی جز مبارزه برای احقاق حق کردها و پیشبرد دموکراسی نیست. به همین خاطر خطر کردها را بیش از خطر داعش برای ترکیه دانست و به سرکوب کردها در داخل و ورود به خاک سوریه برای ایجاد منطقه ی حائل در ۵۰ کیلومتری مرز همت گماشت. ترکیه نه تنها کردها را از ورود نمایندگانشان به پارلمان ترکیه باز داشت و اقدام به دستگیری سران حزب دموکراتیک خلق به بهانه ی دست داشتن در ناآرامی های ترکیه نمود بلکه حضور امنیتی خود در مناطق کردنشین و استان دیاربکر را شدت بخشید (BPC-Turkey-Kurdish, 2016: 4-5). ریشه ی این شرایط را می توان تا حدی در آرمان های بلندپروازانه ی اردوغان نیز جستجو کرد. اردوغان که از ابتدا به دنبال احیای امپراتوری عثمانی در ترکیه بود چاره ای نداشت تا ابتدا آرامش را در داخل

برقرار سازد آنگاه به سراغ منطقه و تحولات آن رود. برای این کار بیش از هر چیز توافق با کردها امری ضروری بود اما زمانی که احساس کرد رویای عثمانی گری با تحولات سوریه و عراق در حال فروریختن است و چشم انداز مثبتی نیز از سوی اروپا برای عضویت در این اتحادیه دیده نمی شود به راه سابق بازگشت تا حداقل خود را از فشارهای روزافزون این اتحادیه نسبت به اعمال استانداردهای حقوق بشری رها سازد. در واقع آنچه که بر اساس متغیر فرد، سیاست ترکیه نسبت به کردها را پیش می برد افکار و اندیشه های فرصت طلبانه ی ریاست جمهوری است و نه نگاه راهبردی برای حل موضوع کردها در ترکیه.

۲- نقش

طبق جدول مورد اشاره روزنا بعد از متغیر فرد، متغیر نقش، بیشترین تأثیر را در کشورهای بزرگ توسعه نیافته دارد. منظور از متغیر نقش تاثیرگذاری پست و مسئولیت بر رفتار مسئولان است. در صحنه ی واقعی و عملی جهان سیاست، مورد یاد شده را تنها می توان در کشورهای دموکراتیک و قانونمند مشاهده نمود که به رغم چرخش قدرت و تغییر دولت ها (که برآمده از احزاب سیاسی مختلف هستند)، تغییرات بنیادین و ناگهانی در عرصه ی سیاست خارجی آن کشورها رخ نمی دهد. در این کشورها رفتار مقامات در چارچوب قانون تعریف و آن ها از حیطة ی وظایف و قدرت خود نمی توانند تجاوز کنند؛ اما در کشورهای توسعه نیافته نقش ها بستری فراهم می سازند تا افراد بتوانند مطامع شخصی، حزبی، گروهی، قومی و... خود را پیاده سازند. تحلیل رفتارهای اردوغان پس از کودتای تابستان ۲۰۱۶ و پیش از آن در سال ۲۰۱۳ در قبال کردها نشان از آن دارد که مسند نخست وزیری و ریاست جمهوری محل های قانونی در اختیار اردوغان قرار داده است تا به آنچه که آن را صحیح می پندارد دست زند. تفسیر گسترده از مسئولیت ها و اختیارات، کنار زدن رقبا و عدم چرخش قدرت در ترکیه تحت زمامداری حزب عدالت و توسعه موجب شده است تا نهاد دولت، پارلمان، وزارت امور خارجه و سایر بخش های مؤثر نتوانند ضرورت های شغلی و مسئولیتی و به عبارتی بهتر قید و بندهای قانونی و محدودکننده را بر این سیاستمدار

کهنه‌کار و اقتدارگرا تحمیل کنند و برعکس نهادهای یادشده به شدت تحت تأثیر سبک رهبری، شخصیت و تجربه‌ی سیاسی-اجتماعی اردوغان قرارگیرند. در واقع اقدامات اردوغان در این مدت فراتر از نقش رئیس جمهوری بوده که طبق قانون ترکیه بیشتر یک نقش تشریفاتی است.^۱ وی در ابتدا سعی کرد مانع قدرت‌گیری بیش از پیش جماعت گولن شود. از همین رو در تضعیف جایگاه گولن در بطن جامعه ترکیه کوشید و همه‌ی مدارس خصوصی مربوط به آنان را تعطیل کرد تا بتواند نفوذ و قدرت آنان را کاهش دهد. او به تقویت جایگاه خود در حزب افزود و عبدالله گل رئیس جمهور پیشین ترکیه و یکی از بنیان‌گذاران اصلی حزب عدالت و توسعه را کنار زد و برای هر چه قدرتمند شدن بحث تغییر قانون اساسی و اصل اساسی آن تغییر نظام از پارلمانی به ریاستی را پیش کشید (Talbot, 2015: 8-9) و هنگامی که احساس نمود نخست وزیر داوود اوغلو در اجرای سیاست‌هایش با او فاصله پیدا کرده با تکیه بر قدرت و نفوذش در حزب، وی را وادار به استعفا کرد.

۳. دیوانسالاری حکومتی

متغیر حکومت یا همان دیوانسالاری حکومتی سومین متغیر تأثیرگذار بر رفتار کشورهای بزرگ و توسعه نیافته است. این متغیر همانگونه که توضیح داده شد به ارتباط قوای دولتی و نهادهای قدرت تأثیرگذار در هر کشور می‌پردازد. لذا برای پی بردن به جایگاه آن ناگزیر از آن هستیم ساختار قدرت در ترکیه را قدری توضیح دهیم. حکومت ترکیه از نوع جمهوری دموکراسی پارلمانی است. این ساختار از سه قوه‌ی مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل شده است. این سه نهاد در کنار ارتش که به عنوان ضامن ارزش‌های آتاتورک و سکولاریسم در این کشور شناخته می‌شود بیشترین تأثیر را بر تصمیمات سیاسی می‌گذارند. در ادامه به طور خلاصه و به صورت تفکیک شده این تأثیرگذاری‌ها بررسی می‌شود.

^۱. با برگزاری فراندوم ۱۶ آوریل ۲۰۱۶ تغییرات جدیدی در قانون اساسی ترکیه به وجود آمد که یکی از مهمترین تغییرات، تغییر نظام از پارلمانی به ریاستی و افزایش قدرت نهاد ریاست جمهوری است.

الف: ارتش

در طول تاریخ جمهوری ترکیه ارتش از جایگاه بسیار قدرتمندی برخوردار بوده و توانسته نقش اساسی در این کشور ایفا کند. وقوع کودتاهای مکرر ارتش در تاریخ این کشور خود گویای این مسأله است.^۱ این نهاد به بهانه‌های حفظ تمامیت ارضی، همیشه بیشترین درگیری و تنش را با کردها تجربه کرده است و در واقع از دید ارتش، چیزی به نام مسأله‌ی کردها در ترکیه وجود ندارد و آن را انکار می‌کنند. این موضوع بیش از هر چیز به ترکیب ارتش در ترکیه بازمی‌گردد که ناسیونالیست‌ها و طرفداران رویکرد آتاتورک در آن دست برتر را دارند (Lovell, 2009: 6). هرچند بعد از مدت‌ها تنش بین کردها و ترک‌ها در ترکیه، در دولت اردوغان روند صلح پیگیری شد اما با ظهور داعش و حمایت نسبی آنکارا از مواضع این گروه تروریستی در تقابل نظامی با کردها (به طور خاص در مسأله‌ی مقاومت کوبانی) زمینه‌های لازم برای آغاز مجدد درگیری پ.ک.ک. با حکومت مرکزی و ارتش فراهم گردید. واقعه‌ی انفجار انتحاری در شهر کردنشین سوروج در ۲۰ ژوئیه‌ی ۲۰۱۵ در مرز ترکیه با سوریه که در آن ۲۷ تن کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شدند، جرقه‌ی این درگیری مجدد را زد. کشته شدن دو افسر پلیس ترکیه توسط پ.ک.ک. در واکنش به واقعه‌ی سوروج کافی بود تا تمامی آن چه که دو طرف در طول ماهها مذاکره به دست آورده بودند، بر باد رود. پس از این حادثه، ارتش ترکیه به سرعت عملیات نظامی را علیه جنگجویان پ.ک.ک. در کوهستان‌های قندیل کردستان عراق آغاز و صدها نفر از کردها را در ترکیه به اتهام عضویت در این حزب بازداشت کرد. رئیس‌جمهور اردوغان گفت؛ ادامه دادن به فرآیند صلح «غیرممکن» است و رئیس‌مشرک حزب کارگران کردستان- جمیل بایک- هرگونه آتش‌بس یک‌جانبه از سوی حزبش را رد کرد (News & Analysis alwaght, 2016) اما با گذشت زمانی کوتاه دامنه‌های

^۱ از زمان تشکیل دولت ترکیه این کشور تا به امروز پنج بار شاهد کودتای ارتش بوده است. اولین کودتا در ۲۷ ماه مه سال ۱۹۶۰، دومین کودتا در ۱۲ مارس ۱۹۷۱، سومین کودتا در ۱۹۸۰، چهارمین کودتا در ۱۹۹۷ و آخرین کودتا در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ رخ داد. هدف ارتش از کودتای اخیر، حفظ دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه ذکر گردید که در نهایت این کودتا شکست خورد.

بحران بسیار پیچیده‌تر شد و به جنگ در شهرهای کردنشین از جمله دیاربکر، ماردین، شرناک و جزیره کشیده شد.

نهاد ارتش هر چند در ترکیه دارای قدمت و قدرت بالایی است اما کودتای ۲۰۱۶ باعث تضعیف بیش از پیش این نهاد نسبتاً مستقل گردید. تصفیه‌ای که در ارتش صورت گرفت، نتیجه‌ای جز پیروزی برای اردوغان نداشت؛ زیرا ارتش تنها نهادی بود که می‌توانست در برابر اقتدارگرایی اردوغان بایستد. البته تضعیف ارتش یکی از برنامه‌های بلند مدتی بود که حزب عدالت و توسعه در دستور کار برنامه‌های خود قرار داده بود. این موضوع به ویژه از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳، به طور جدی دنبال شد. در آن زمان گروهی از نظامیان به اتهام طراحی کودتا در میان صفوف ارتش بازداشت شدند. این بازداشت و سپس احکام قضایی باعث تضعیف بیش از پیش ارتش گردید؛ طوری که ارتش نتوانست دوباره کمر راست نموده و کودتای ۲۰۱۶ علیه اردوغان را به سرانجام برساند (Waldman, 2016/7/16).

ب. قوه ی قضائیه

قوه ی قضائیه یکی دیگر از نهادهای قدرتمند ترکیه به حساب می‌آید که همسو با ارتش ضامن ارزش‌های سکولاریسم جامعه است. قوه ی قضائیه بارها نشان داده است برای مقابله با احزابی که همگام با سکولاریسم جامعه نیستند از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد. نمونه ی بارز آن در سال ۲۰۰۱ بود که دادگاه قانون اساسی، حزب فضیلت را به دلیل اینکه با ساختار لائیک قانون اساسی تضاد داشت، منحل کرد (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۲۴). این نهاد همیشه از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. همراه شدن آن با دولت اردوغان و تلقی منفی از کردها باعث گردیده تا دست دولت در سرکوب کردها بازتر باشد. در حال حاضر در ترکیه هم استقلال نهادی قوه ی قضائیه و هم استقلال شخصی قضات به میزان قابل توجهی در خطر افتاده است و این روندی است که از سال ۲۰۱۴ به طور محسوسی توسط دستگاه اجرایی با ترکیبی از اقدامات قانونی و اصلاحات نهادی آغاز شده است (International Commission of Jurists, 2016: 6-12). کودتای ناموفق سال ۲۰۱۶ نیز بهانه ی خوبی برای

اردوغان فراهم ساخت تا مخالفان خود را از دستگاه‌های حکومتی، بویژه دستگاه قضایی، حذف کند. وی ۲۷۴۵ قاضی را به اتهام شرکت در کودتا برکنار کرد که برخی از آنان جزو بالاترین رده‌های قضایی در ترکیه بودند (Cockburn, 2016). اگرچه قوه‌ی قضائیه و اقدامات آن تا سال ۲۰۱۳ مستقیماً نقشی در روابط دولت با کردها نداشته است اما همراه شدن آن با اتهامات دولت علیه کردها دست آن را برای روی آوردن به گزینه‌های غیردموکراتیک و خشونت بار بازگذاشته است. اکنون که این نهاد در حال از دست دادن بیشتر استقلال خود است و با قضاتی از حزب عدالت و توسعه جایگزین می‌گردد، انتظار رویکرد ملایم و غیر خشونت بار از سوی دولت در قبال کردها امری دور از ذهن به نظر می‌رسد.

ج: پارلمان

مهمترین نهاد حکومتی که می‌تواند به پیشبرد دموکراسی در ترکیه کمک کند و راه حلی برای مسأله‌ی کردها پیدا کند، بی‌شک پارلمان است. پارلمان ترکیه نمود احزاب قدرتمند این کشور است که می‌توانند در صورت کسب حداقل ۱۰ درصد آرا به آن راه پیدا کنند. در آخرین دوره‌ی انتخابات مجلس در سال ۲۰۱۵ حزب عدالت و توسعه، حزب جمهوری خلق، حزب حرکت ملی و حزب دموکراتیک خلق‌ها توانستند به مجلس راه پیدا کنند. انتخاباتی که در مرحله‌ی اول حزب حاکم نتوانست به تنهایی دست به تشکیل دولت بزند و ائتلافی هم بین احزاب شکل نگرفت و منجر به این شد که انتخابات مجدّدی ۵ ماه بعد در نوامبر ۲۰۱۵ برگزار شود. پیروزی حزب دموکراتیک خلق با ماهیت کردی در هر دو انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ که در دور اول، ۸۰ کرسی و در دور دوم، ۵۹ کرسی کسب کرد فرصتی فراهم کرد تا برای اولین بار و در شرایطی که جنگ در مناطق کردنشین بعد از مدتها سپری کردن فرآیند صلح، دوباره تشدید شده بود، کردها توانستند با کسب ۱۰/۶۵ درصد آرا برای اولین بار به مجلس راه پیدا کنند. همین امر وضعیت قدرت را در پارلمان دگرگون ساخت؛ به نحوی که باعث تضعیف جایگاه حزب عدالت و توسعه گردید. حزب عدالت و توسعه در دوره‌های قبل با پیش کشیدن مسأله‌ی کردها توانسته بود رأی کردها را به دست آورد اما رویکرد این حزب

به کردهای سوریه و عملاً حمایت نکردن از مقاومت کوبانی موجب گردید تا رأی کردها را از دست بدهد و اوپوزیسیونی به نام حزب دموکراتیک خلقها را پیش روی خود داشته باشد. از همین رو برای تضعیف حزب دموکراتیک خلقها و مخالفان دولت در پارلمان، اردوغان طرح لغو مصونیت قضایی نمایندگان را به تصویب رسانید؛ در واقع لغو مصونیت قضایی بخشی از یک استراتژی، فشار به حزب دموکراتیک خلقها، برای تقویت حزب حاکم عدالت و توسعه و تحکیم پشتیبانی در مجلس برای سیستم اجرایی ریاست جمهوری مورد نظر اردوغان بود. تصویب این طرح به قدری دور از انتظار بود که واکنش کشورهای اروپایی را برانگیخت و از آن به عنوان «ضربه ای به دموکراسی ترکیه» یاد شد (Solaker and Pamuk, 2016). اما این پایان ماجرا نبود و با تسلط کامل اردوغان بر اریکه ی قدرت بعد از کودتای ناموفق ارتش، دولت دست به حذف مخالفان خود زد که در این میان حزب دموکراتیک خلقها بیشترین آسیبها را متحمل شد. بسیاری از نمایندگان پارلمانی این حزب از جمله رهبران حزب، صلاح الدین دمرتاش و فیدان یوکیسکداغ، دستگیر و زندانی شدند. در واقع دولت ترکیه دریچه ی آشتی را که از طریق حضور کردها در پارلمان باز شده بود، بست و یک بار دیگر به سیاست های دهه ی ۹۰ در سرکوب کردها بازگشت.

۴. جامعه

شکاف در ساختار اجتماعی ترکیه امری قابل پنهان کردن نیست؛ شکافهایی که از حیث تأثیرگذاری بر صورت بندی و ترکیب، شکافهای مترکم نامیده می شوند. شکافهای اجتماعی موجب تقسیم و تجزیه ی جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌های جدید می‌گردد و این گروه‌بندیها ممکن است شکل سازمان‌های سیاسی پیدا کنند (بشیری، ۹۹:۱۳۸۵). ترکیه کشوری است که برای چندین دهه برای ایجاد یک ملت همگن تحت اصول کمالیسم مبارزه کرده و این هدف ملی باعث شده مشکلاتی جهت به رسمیت شناختن اقلیت های قومی ساکن در کشور ترکیه به وجود آید. این اقلیت ها خواستار به رسمیت شناخته شدن خود از سوی دولت هستند. آنها القابی همچون ترک های کوه نشین را نوعی توهین نسبت به خود تلقی می کنند. آنها

گروه کوچکی در میان اکثریت نیستند (Hansen, Nebbelunde, Curlo and Christensen, 2015: 2-8). جامعه‌ی کردهای ترکیه ۱۸ درصد جمعیت حدوداً ۸۳ میلیونی ترکیه را تشکیل می‌دهند و در نواحی شرقی و جنوب شرقی کشور ساکن هستند (World Population Review, 2019). اما همانطور که گفته شد سراسر تاریخ ترکیه با انکار هویتی کردها گره خورده است. این انکار هویت، کردها را به مبارزه برای کسب استقلال تشویق کرده است. به همین خاطر قریب یک قرن مبارزه علیه دولت را در کارنامه‌ی خود ثبت کرده اند. قیام شیخ سعید در سال ۱۹۲۵، که از طرف ارتش در هم شکسته شد، اوکین حرکت در این مسیر بود که با واکنش تند کمالیست‌ها روبرو گردید (Hatem and Dohrmann, 2013: 52). از آن زمان به بعد زندگی کردها در کنار ترک‌ها وضعیتی پر تنش به خود گرفته است. هر چند قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه و راه پیدا کردن حزب دموکراتیک خلق به پارلمان ترکیه کورسوی امیدی برای پیشبرد دموکراسی در این کشور فراهم کرد اما این امید خیلی زود و با تغییر سیاست اردوغان از دست رفت (Celep, 2016: 166). تغییر سیاست حزب حاکم و شخص اردوغان نسبت به کردها باعث شد تا کردها نیز در رقابت‌های انتخاباتی دیگر مثل گذشته همسو با حزب عدالت و توسعه نباشند تا جایی که شاهد بیشترین میزان ریزش رأی این حزب در انتخابات پارلمانی در مناطق کردنشین بودیم و در آخرین رویداد رقابتی بین کمپین آری و خیر در فراندوم ترکیه بر سر تغییرات قانون اساسی، جامعه‌ی کردهای ترکیه به اصلاحات قانون اساسی مدّ نظر اردوغان «نه» گفتند (Bozarlan, 2017). آن چه شرایط کنونی جامعه‌ی ترکیه را پیچیده تر ساخته تلاش دولت برای مقصّر جلوه دادن کردها در ناآرامی‌های این کشور طیّ چند سال اخیر است. این تحریک افکار عمومی اگرچه ممکن است دست دولت را در کوتاه مدّت برای برخورد با کردها بازگذارد ولی راه همزیستی مسالمت آمیز با آن‌ها را در بلندمدّت در جامعه مسدود می نماید.

۵. محیط خارجی

میزان تأثیرگذاری متغیرهای محیطی و بین‌المللی بر رفتار یک کشور به طور مستقیم به میزان قدرت آن کشور بستگی دارد. سیاست خارجی و اهداف منطقه ای ترکیه در سه دهه ی اخیر، به ویژه در دوره ی حزب عدالت و توسعه، شاهد دگرذیسی هایی بوده که از آن به نوعثمانی‌گرایی یاد می‌شود (بنی هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). رویکرد سیاست خارجی ترکیه متأثر از تحولات منطقه‌ای، وضعیت جغرافیایی، موقعیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و حتی ژئواکونومیک بوده که همواره آن را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است (Lerner and Dimitreis, 2004: 30-40). بی‌شک بدون توجه به محیط خارجی نمی‌توان درک درستی نسبت به تغییر رویکرد اردوغان نسبت به کردها پیدا کرد؛ عملی که نهفته در رویکرد اردوغان و دولت ترکیه نسبت به کردهای سوریه بوده است. با شروع جنبش های عربی و رسیدن این تحولات به سوریه در سال ۲۰۱۱ ترکیه دست به حمایت از گروههای اپوزیسیون سوریه زد و چندین بار میزبان نشست مخالفان دولت سوریه در خاک خود شد. این کار ترکیه را به یکی از حامیان مهم منطقه‌ای گروههای اپوزیسیون سوریه تبدیل کرد اما باعث نگرید تا ترکیه به کردهای سوری مخالف بشار اسد نزدیک گردد بلکه بالعکس؛ حساسیت وی نسبت به اهداف آنها در دوران پسا بشاراسد را برانگیخت.

اولین اختلاف اردوغان با کردها، در قضیه ی محاصره ی کوبانی توسط داعش رقم خورد؛ در آن زمان که کردها زیر فشار داعش بودند موج اعتراضی در داخل شهرهای کردنشین ترکیه نسبت به عدم حمایت آنکارا از کوبانی شکل گرفت. این عدم حمایت اولین سنگ بنای فروپاشی صلح را رقم زد و بی اعتمادی در جامعه ی کردها نسبت به دولت اردوغان را بیشتر کرد. اما پیروزی کردها در کوبانی و قدرتمندتر شدن یگان‌های کرد در سوریه که به متحدان منطقه‌ای آمریکا و روسیه تبدیل شده بودند، بر دامنه ی اختلافات دولت ترکیه و کردها افزود. از نگاه اردوغان فرقی بین واحدهای حفاظت خلق (YPG) وابسته به حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) با گروههای تروریستی تکفیری در سوریه نبود و معتقد بود: «اگر داعش و جبهه النصره در خارج از آتش بس قرار دارند، پس حزب اتحاد دموکراتیک و نیروهای واحدهای

حفاظت خلق نیز باید به طور مشابه از آتش بس کنار گذاشته شوند (New Presstv, 2016). دولت اردوغان پیوسته مواضع سرسخت خود نسبت به کردها را حفظ کرده؛ آن‌ها را شاخه‌ای از نیروهای پ.ک.ک. می‌داند و قدرت گرفتن آن‌ها را در مرزهای جنوبی ترکیه تهدیدی برای امنیت ملی خود محسوب می‌کند. از همین رو سعی در تضعیف و نابودی آن‌ها داشته است. این سرسختی تاجایی ادامه پیدا کرد که نه تنها مانع حضور کردها در نشست های صلح سوریه شده بلکه جنگ با آن‌ها در داخل خاک سوریه را تداوم بخشیده است. این درحالی است که دولت آمریکا مواضع این دسته از کردها را در مبارزه با بشار اسد تأیید می‌کند و به آن‌ها تجهیزات نظامی می‌رساند. هر چند در گذشته آمریکا حمایت خود را از ترکیه در مقابل نیروهای حزب کارگران کردستان عملی کرده و آن‌ها را در لیست تروریست قرار داده است اما حاضر نیست همکاری خود با حزب اتحاد دموکراتیک سوریه را قطع نماید. اقدامی که رنجش ترکیه و سردی روابط آن‌ها با آمریکا را به همراه داشته است (Kucukkeles and Mankoff, 2014:1-2). با این حال باید خاطر نشان کرد که هم آمریکا و هم روسیه به صراحت مخالفت خود با موضوع استقلال کردهای سوریه را اعلام کرده و از دولت سوریه ی یکپارچه حمایت می‌کنند. به نظر می‌رسد این مواضع نقش مؤثری در چرخش اردوغان نسبت به کردها داشته و آنکارا را در پیگیری خواسته ی خود برای جدایی بین بخش کردنشین ترکیه با سوریه از راه اشغال مناطق مرزی جدی ترساخته است.

اگرچه مواضع اردوغان ممکن است با دلایل امنیتی توجیه شود اما هرگز با مواضع حقوق بین‌الملل و حقوق بشر سازگار نیست. به همین خاطر انتقاد جدی اتحادیه ی اروپا را به همراه داشته است (Isik, 2016). اتحادیه ی اروپا بارها از ترکیه تقاضا نموده برای عضویت در این اتحادیه در کنار سایر موارد اصلاحی، سیاست‌های داخلی خود نسبت به کردها را تغییر دهد (Commidssion of the European Comunities, 2004:4). هرچند ترکیه با استفاده ی ابزاری از بحران کنونی سوریه و پناهندگان توانسته امتیازاتی را از اتحادیه ی اروپا بگیرد و در مذاکرات دست بالا را داشته باشد اما بحرانی شدن اوضاع داخلی و تشدید جنگ در مناطق کردنشین از یک سو و دخالت در اوضاع بحرانی سوریه و سعی در تضعیف نیروهای کرد

سوری، آینده‌ی مذاکرات الحاقی ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا را تیره ساخته است. این تنش‌ها از سال ۲۰۱۷ به این طرف، بویژه بین ترکیه و آلمان و ترکیه و هلند، شدت بیشتری پیدا کرده است. زیرا این دولت‌ها مواضع ترکیه بعد از کودتای نافرجام را غیرقابل پذیرش می‌خوانند و آن را حرکت به سوی استبداد تلقی می‌کنند. تنها امید ترکیه در پیگیری سیاست منطقه‌ای خود در قبال ترکیه به ایران و عراق است. اردوغان ایران را مخالف جدی خودمختاری کردها در سوریه می‌داند. لذا امیدوار است با حمایت‌های ایران بتواند کردها را هرچه بیشتر مطیع و منقاد سازد. بالعکس ایران، موضع عراق در قبال کردهای سوریه یکدست و یکپارچه نیست. با وجود اینکه دولت مرکزی عراق از شکل‌گیری اقلیم کردستان سوریه در مجاورت مرزهای شمالی خود استقبال نکرد و آن را منفی ارزیابی کرد اما اقلیم کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی سعی نمود با حمایت از حزب کارگران کردستان در مقابل زیاده‌خواهی‌های ترکیه در رابطه با موصل و کرکوک و تقویت ترکمن‌های عراق تعادلی برقرار کند. این درحالی است که پیشتر در سال ۲۰۱۳ اردوغان تلاش کرده بود با دعوت از مسعود بارزانی به ترکیه به روند صلح در ترکیه کمک نماید. به بیان دیگر، رجب طیب اردوغان امیدوار بود که با بهره‌برداری از نفوذ مسعود بارزانی در نزد پانزده میلیون کرد ترکیه آنان را نسبت به جدیت و اراده‌ی خود مبنی بر به سرانجام رساندن گفتگوهای صلح متقاعد کند (Gunter, 2014: 23). در جریان این سفر بود که پرچم کردستان برای اولین بار در ترکیه آزادانه به اهتزاز درآمد و اردوغان برای اولین بار اسم کردستان را بر زبان آورد. اما این سفر در عمل نتوانست دستاورد مهمی داشته باشد و با پیش آمدن بحث کوبانی، بارزانی حمایت از کردها و آزادی آن‌ها از دست داعش را بر هر اتحادی با ترکیه ترجیح داد.

نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اگرچه متغیرهای شناسایی شده‌ی جیمز روزنا در مورد کشورهای بزرگ توسعه نیافته‌ی باز(فرد، نقش، حکومت، نظام بین الملل و جامعه) به خوبی درباره‌ی رفتارهای دولت ترکیه نسبت به کردها صدق می‌کند، اما به نظر می‌رسد نقش دو متغیر فرد و نظام بین الملل

بر موضع این کشور در قبال کردها بیش از سایر متغیرها تأثیرگذار بوده است. باوجود این که حزب عدالت و توسعه در ابتدا سعی کرد با استفاده از ابزارهای دموکراتیک، اصلاحاتی را برای به رسمیت شناختن هویت و فرهنگ کردی در ترکیه انجام دهد و در تابستان ۲۰۰۹ فرآیندی را با عنوان «گشایش دموکراتیک» آغاز کرد و در سال ۲۰۱۳ بحث «روند صلح» را پیش کشید اما تحولات منطقه ای و داخلی ترکیه این اقدامات را ناکام گذاشت. در داخل ترکیه روند تمرکز قدرت در دستان اردوغان و کنارگذاری منتقدان هم حزبی خود از پست های حساس دولتی، راه را برای اقتدارگرایی وی بازکرد. وقوع کودتای نافرجام ۲۰۱۶ نیز موهبتی الهی بود تا این مسیر کامل تر شده، هم پیروان حزب گولن و نظامیان ملی گرا و هم احزاب کردی با قلع و قمع مواجه شوند. با این تغییرات دست دولت هم در قوه ی مقننه و هم قوای دیگر باز شد تا سختگیری های خود بر کردها را بیشتر کرده و از مسیر در پیش گرفته شده ی سابق بازگردد. در خارج از ترکیه نیز ظهور داعش و پیامدهای حضور آن در سوریه بیشترین ضربه را به روند آشتی ترک ها با کردها در ترکیه زد. قدرت گرفتن کردهای سوریه- که از نظر فکری نزدیک به حزب کارگران کردستان می‌باشند- در داخل خاک سوریه و دور شدن ترکیه از کردها به خاطر حمایت نکردن از مقاومت کوبانی در مقابل نیروهای داعش از یک سو و قدرت گرفتن حزب دموکراتیک خلقها و راهیابی آن به پارلمان ترکیه و وقوع کودتا و ناآرامی در داخل این کشور از سوی دیگر باعث شد حزب عدالت و توسعه چرخش آشکاری در مواضع خود نسبت به کردها داشته باشد. آن چه این چرخش را شدت بیشتری بخشید حرکت اردوغان به سمت اقتدارگرایی بود. اردوغان بعد از وقوع کودتای نافرجام ۲۰۱۶ با خارج کردن گزینه ی پیوستن به اتحادیه ی اروپا از لیست سیاست های ترکیه، دست خود را در قبال سرکوب کردها و پایان دادن به آزادی های دموکراتیک بازگذاشت. احزاب مخالف خود در پارلمان همچون حزب اتحاد دموکراتیک خلق را قلع و قمع نمود. روزنامه نگاران را دستگیر، مطبوعات مخالف را تعطیل و فرآیند بازنگری در قانون اساسی را آغاز کرد. اردوغان که پیشتر تلاش می کرد ترکیه را الگویی برای انقلاب تونس، مصر و لیبی معرفی کند اکنون راه تازه ای را در پیش گرفته است. راهی که با هیچ یک از مواضع حقوق بشری و حقوق بین المللی سازگار نیست. نه دولت عراق و نه دولت رسمی سوریه هیچ یک حضور نظامی این کشور در خاک خود را نپذیرفته و آن را سازنده ارزیابی نکرده اند. نه دولت های اروپایی و

نه آمریکا هیچ یک راه حلّ سرکوب کردها را برای برقراری آرامش در این کشور مثبت ندانسته اند. نه ایران و نه عراق هیچ یک رسماً موضع دولت ترکیه را تأیید نکرده اند. آنها اگرچه از تشکیل دولت کردستان در شمال سوریه استقبال نمی کنند اما کردها را نیز مقصّر ناآرامی های ترکیه نمی دانند. از نظر این دولت ها ریشه ی ناآرامی های ترکیه در سیاست های غلط گذشته ی این کشور در حمایت از داعش است و نه اقدامات کردها. به نظر می رسد ادامه ی روند کنونی در پیش گرفته شده از سوی اردوغان نه تنها به انزوای بیشتر بین المللی این کشور بینجامد بلکه مسیر همزیستی مسالمت آمیز بین کردها و ترک ها را از بین برده و ترکیه را مجدّد درگیر خشونت های بی پایان داخلی سازد.

منابع

- احمدی، حمید و حاتم آبادی فراهانی، فاطمه (۱۳۹۰)، «سیاست داخلی و خارجی ترکیه از دیدگاه حزب عدالت و توسعه»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۵، صص ۴۲ - ۱۱.
- امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۶۷ - ۲۳۱.
- باقری دولت آبادی، علی و نوروزی نژاد، جعفر (۱۳۹۲)، «بررسی علل دگرذیسی در سیاست خارجی ترکیه بر اساس رهیافت سازه‌نگاری»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال دوم شماره نهم، صص ۱۳۷ - ۱۰۵.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۹)، *اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ دوازدهم، تهران: نشرنی
- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، *پژوهشنامه دفاع مقدس*، سال اول، شماره ۴، صص ۱۸۷-۱۵۹.
- جهانگیری، سعید و گروسی، ناصر (۱۳۹۷)، «بررسی و مقایسه سیاست خارجی ایران و ترکیه در مورد تحولات سوریه (ابعاد و رویکردها)»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره ۲، شماره ۷، زمستان، صص ۳۱-۴۷.
- چنگی زاده، غلامعلی و آثارتمر، محمد (۱۳۸۸)، «تحركات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، شماره دوم، صص ۲۱۸ - ۱۸۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ریباز قربانی نژاد و زهرا احمدی پور (۱۳۸۸)، «تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۹۵-۲۱۶.
- دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (۱۳۹۰)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- دهشیری، محمدرضا و جعفری فر، احسان (۱۳۹۷)، «مخالفت حزب آزادی اتریش با کشور ترکیه (۲۰۱۶-۲۰۰۸)»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره ۲، شماره ۶، پاییز، صص ۷۹-۹۸.
- ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۲۷-۱۵۴.

- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- طباطبایی، سیدمحمد و فضل‌خانی، اکرم (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب»، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۸۵-۲۲۵.
- قربانی گلشن آبادی، محمد؛ محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). «مولفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره ۶، شماره ۲۲، پاییز.
- محرابی، علیرضا و غم‌پور، احمد (۱۳۸۹)، «عوامل موثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، سال هفتم، شماره دوم، صص ۲۱۳-۱۸۳.
- محمدخانی، علیرضا و حسنلو، رسول (۱۳۹۶)، «جایگاه ترکیه در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در دو دوره اردوغان قبل و بعد کودتا»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، دوره ۱، شماره ۱، تابستان، صص ۴۷-۷۹.
- مطلبی، مسعود و زمانی، محسن (۱۳۹۲)، «روند تثبیت و تحکیم دموکراسی در نظام سیاسی ترکیه با تأکید بر حزب اسلام توسعه»، *جامعه‌شناسی جهان اسلام*، سال دوم، شماره اول، صص ۱۶۴-۱۳۷.
- موثقی گیلانی، سید احمد و نیری، هومن (۱۳۹۰)، «اسلام میانه رو و دموکراسی در ترکیه»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره پنجم، صص ۶۳-۳۳.
- والتس، کنث (۱۳۹۴)، *نظریه سیاست بین‌الملل*، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی، تهران: مخاطب.
- Bozarslan, Mahmut (2017), "Did Kurds determine Outcome of Turkey's referendum?", **Almonitor Agency**, Available at:<http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/04/turkey-referendum-did-kurds-decide-outcome.html>
- BPC (2016), "Authoritarianism and Escalation: Preparing for the Worst in Turkey's Resurgent Kurdish Conflict", **Bipartisan Policy Center**, Available at: <https://bipartisanpolicy.org/report/turkey-kurdish-conflict/>
- Celep, Ödül (2014), "Can the Kurdish Left Contribute to the Turkey's Democratization?", **Insight Turkey**, Vol. 16, Issue.3, pp. 165-180.
- Commission of The European Communities (2004), "Issues Arising from Turkey's Membership Perspective", Brussels, **Commission of The European Communities**, Available at: https://ec.europa.eu/neighbourhoodenlargement/sites/near/files/archives/pdf/key_documents/2004/issues_paper_en.pdf
- Cook, Steven A. (2016), "How Erdogan Made Turkey Authoritarian Again", **The Atlantic Council**, <http://www.theatlantic.com/international/archive/2016/07/how-erdogan-made-turkey-authoritarian-again/492374/>
- Efegil, Ertan (2011), "Analysis of the AKP Government's Policy toward the Kurdish Issue", **Turkish Studies**, Vol. 12, No. 1, pp.27-40.

- Eufert, Günter (2016), "Erdogan's New Turkey", **StiftungWissenschaft undPolitik German Institute for International and Security Affairs**, Available at: https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2014C44_srt.pdf
- Gunter, Michael M. (2014), "The Turkish-Kurdish Peace Process Stalled in Neutral", **Insight Turkey**, Vol. 16, No. 1, pp. 19-26.
- Hatem, Robert and Dohrmann, Mark (2013), "Turkey's Fix for the "Kurdish Problem Ankara's Challenges", **Middle East Forum**, Available at: <https://www.meforum.org/3667/turkey-kurdish-problem>.
- International Commission of Jurists (2016), "Turkey: The Judicial System in Peril —A briefing paper", **The International Court of Justice**, Available at: <https://www.icj.org/wp-content/uploads/2016/07/Turkey-Judiciary-in-Peril-Publications-Reports-Fact-Findings-Mission-Reports-2016-ENG.pdf>
- Isik, Ebubekir (2016), "The EU-Turkey Refugee Deal and the Kurdish Issue", **Aljazeera Agency**, Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2016/03/eu-turkey-refugee-deal-kurdish-issue-160302113254551.html>
- Kucukkels, Mujge and Mankoff, Jeffrey (2014), "The Kurdish Question and US-Turkish Relations in a Changing Middle East", **Atlantic Council**, Available at: https://www.atlanticcouncil.org/images/publications/Kurdish_Question_and_US-Turkey_Relations.pdf
- Lenere, Martin, Dimitris keridis (2004), **The Future of Turkish Foreign Policy**, Massachusetts: The MIT Press.
- Lovell, David W. (2009), "The challenges for democracy in Turkey", Paper presented to the 21st **IPSA World Congress**, Chile, Santiago, pp. 1-17.
- Mavragani, Maryllis and Tsagarakis, Konstantinos P. (2019), " Predicting referendum results in the Big Data Era", **Journal of Big Data**, Vol.6, No.3, pp.1-20.
- News & Analysis alwaght (2016), "Erdogan, Mystery of Kurdish Conflict Settlement", **Alwaght Website**, Available at: <http://alwaght.com/en/News/35681/Erdogan,-Mystery-of-Kurdish-Conflict-Settlement>
- Önis, Ziya (2013), "Sharing Power: Turkey's Democratization Challenge in the Age of the AKP Hegemony", **Insight Turkey**, Vol. 15, No. 2, pp. 103-122
- Pamuk, Humeyra (2016), "In Turkey's Judicial Overhaul, Erdogan's Critics See Payback Time", **The Reuters**, Available at: <http://www.reuters.com/article/us-turkey-judiciary-idUSKCN0Z921I>
- Press TV News (2016), "Turkey's Erdogan: Keep Kurds Out of Syria Ceasefire", **The Press Tv**, Available at: <http://www.presstv.ir/Detail/2016/02/24/452095/Turkey-Kurds-YPG-PYD-Syria-Erdogan-Russia>
- Roberts, John M. (2018), "Turkeys and The Kurdistan Region of Iraq: Strained Energy Relations", **Turkish Policy Quarterly**, Vol.17, No.3, pp. 99-109.
- Rosenau, James, N. (1971), "The National Interest" in: **Scientific Study of Foreign Policy**, New York: The Free Press.

- Rosenau, James, N. (1996), *Powerful Tendencies, Startling Discrepancies and Elusive Dynamic: The challenge of Studing World Politics in a Turbulent Era*, **Australian Journal of International Affairs**, Vol.50, No.1, pp.23-30.
- Talbot, Valeria (2015), "The Uncertain Path of the New Turkey", **Ispi – Istituto per gli Studi Politici Internazionali**, available at: <https://ispionline.atavist.com/turkey>
- Tekdemir, Omer (2016), "Politics of the Turkish Conflict: The Kurdish Issue", **E-International Relations**, Available at: <http://www.e-ir.info/2016/04/15/politics-of-the-turkish-conflict-the-kurdish-issue/>
- The guardian (2017), "Council of Europe Vote Puts Pressure on Turkey over Human Rights", **The guardian**, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/26/council-of-europe-turkey-human-rights-page>
- The Kurish Project** (2019), "Where is Kurdistan?", Available at: <https://thekurdishproject.org/kurdistan-map/>
- Urrutia, Pamela & Ana Villellas (2012), "Reopening the Kurdish Question: States, Communities and Proxies in a Time of Turmoil", **NOREF / Norwegian Peacebuilding Resource Center**, September 2012.
- Waldman, Lorne (2016), "The Military's Last Stand: What Went Wrong for Turkey's Coup Plotters", **The Globeand Mail**, 2016/7/16, Available at: <https://www.theglobeandmail.com/opinion/the-militarys-last-stand-what-went-wrong-for-turkeys-coup-plotters/article30947133/>
- World Population Review (2019), "Turkey Population 2019", **World Population Review** Available at: <http://worldpopulationreview.com/countries/turkey-population/>
- Yadirgi, Veli (2017), **The Political Economy of the Kurds of Turkey: From the Ottoman Empire to the Turkish Republic**, London: Cambridge University Press.
- Yildiz, Kerim and Taysi, Tanyel B. (2007), **The Kurds in Iran: The Past, Present and Future**, London: Pluto Press.

